

## فهرست

دیباجه ..... ۱۳

### فصل اول: روزنه‌ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب ..... ۱۸

ولادت ..... ۱۹

نام‌گذاری ..... ۱۹

کنیه و لقب‌ها ..... ۲۰

مادر امام ..... ۲۱

خاستگاه تربیتی ..... ۲۲

کودکی آزاده ..... ۲۳

همسر و فرزندان امام ..... ۲۵

امامت حضرت ..... ۲۶

نص بر امامت ..... ۲۶

### فصل دوم: ویژگی‌های برجسته

ویژگی‌های ظاهری ..... ۳۰

۵۴	پایه گذاری نهضت بزرگ و پویای علمی
۵۵	تحکیم بنیان‌های تفکر شیعی
۵۶	پرورش فرهیختگان و دانشوران
۵۷	۱. زرارة بن اعین
۵۷	۲. محمد بن مسلم ثقفی
۵۹	۳. ابوبصیر (لیث بن بختری مرادی)
۵۹	۴. بُرید بن معاویه عجلی
۶۰	پی‌ریزی تدوین حدیث
۶۱	بنیان‌گذاری اجتهاد
۶۲	مبارزه با شیوه‌های نادرست اجتهاد
۶۳	توسعه‌ی فرهنگ انتظار
۶۴	نشر فرهنگ اصیل اسلامی
۶۴	الف) بهره‌گیری از قرآن
۶۵	ب) مرجعیت فقهی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانشمندان
۶۶	ج) شناساندن جایگاه امام
۶۷	د) نیایش؛ کانون ترویج آموزه‌های دینی

#### فصل چهارم: مبارزات فرهنگی امام باقر علیه السلام

۷۰	۱. مناظرات گسترده علمی
۷۳	۲. مبارزه با مکتب‌های انحرافی
۷۴	الف) فرقه‌ی مرجئه
۷۵	ب) فرقه‌ی جبریه و قدریه
۷۶	ج) فرقه‌ی خوارج
۷۹	د) فرقه‌ی غلات

۳۱	اخلاق و ویژگی‌های فردی
۳۱	الف) پرستش و پارسایی
۳۲	ب) دوری از دنیا
۳۳	ج) دانش و بینش
۳۵	د) بخشندگی و سخاوت
۳۶	ه) کار و سخت‌کوشی
۳۷	ز) پاکیزگی و آراستگی
۳۸	ح) ورزش و نشاط جوانی
۴۰	ویژگی‌های اخلاقی در خانواده
۴۰	الف) ایجاد پیوند عاطفی با همسر
۴۱	ب) ارتباط عاطفی با فرزندان
۴۲	اخلاق اجتماعی
۴۲	الف) دستگیری از نیازمندان جامعه
۴۳	ب) زندگی اجتماعی و مردمی
۴۴	ج) احترام به مالکیت اجتماعی
۴۵	د) خوش‌رویی
۴۶	ه) ابراز صمیمیت در معاشرت با دوستان
۴۷	ز) آگاهی از مشکلات معیشتی نزدیکان و تلاش برای رفع آن
۴۹	ح) بردباری در روابط اجتماعی
۴۹	ط) حضور شکوهمندانه در اجتماعات

#### فصل سوم: بررسی مقام علمی و تلاش‌های فرهنگی امام باقر علیه السلام

۵۲	اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه
۵۳	چهره‌ی علمی امام

۱۰۷	ج) پاسداری ارزش‌ها.....
۱۰۷	امام و قیام زیدبن علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۰۷	الف) شخصیت زید.....
۱۰۸	ب) علل و انگیزه‌های قیام.....
۱۱۰	ج) موضع‌گیری امام باقر <small>علیه السلام</small> در برابر قیام و دلایل نهی از آن.....

#### فصل ششم: شهادت امام محمد باقر علیه السلام

۱۱۴	کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های امویان.....
۱۱۶	بهانه جویی‌های هشام.....
۱۱۸	پرواز تا بی‌نهایت.....
۱۱۹	وصیت‌های امام.....
۱۱۹	وصیتی مهم.....
۱۲۰	خاک سپاری و سوگواری.....

#### فصل هفتم: امام باقر علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت

۱۲۴	۱. حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ ه.ق).....
۱۲۵	۲. علی بن الحسن بن هبة الله شافعی (م ۵۷۱ ه.ق).....
۱۲۵	۳. ابن اثیر (م ۶۳۰ ه.ق).....
۱۲۵	۴. ابن جوزی (م ۶۵۴ ه.ق).....
۱۲۵	۵. جمال الدین ابوالحجاج یوسف مزّی (م ۷۴۲ ه.ق).....
۱۲۶	۶. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م ۷۴۸ ه.ق).....
۱۲۶	۷. ابن کثیر (م ۷۷۴ ه.ق).....
۱۲۶	۸. شهاب‌الدین ابوالفلاح بن احمد العکری الحنبلی.....
۱۲۷	۹. محمد امین سویدی (م ۱۲۴۶ ه.ق).....
۱۲۷	۱۰. قاضی محمد احمد کنعان (معاصر).....

۸۰	ه) فرقه‌ی مغیره.....
۸۱	و) فرقه‌ی جارودیه.....
۸۱	۳. مبارزه با اندیشه‌های خطرآفرین یهود.....
۸۳	۴. مبارزه با نفاق و اندیشه‌های سازشکارانه‌ی خواص.....

#### فصل پنجم: اوضاع سیاسی و موضع‌گیری‌های امام باقر علیه السلام

۸۶	نگاهی کلی به شرایط سیاسی حاکم.....
۸۷	چهره و عملکرد حکمرانان معاصر با امام.....
۸۷	الف) عبدالملک بن مروان.....
۸۹	ب) ولید بن عبدالملک.....
۹۰	ج) سلیمان بن عبدالملک.....
۹۱	د) عمر بن عبدالعزیز.....
۹۲	ه) یزید بن عبدالملک.....
۹۴	و) هشام بن عبدالملک.....
۹۴	نفوذ و استحاله‌ی اندیشه‌های غیر اسلامی در حاکمیت.....
۹۶	نقش علمای درباری در پیش‌برد اهداف سیاسی امویان.....
۹۸	وضعیت زندگانی امام و شیعیان.....
۱۰۰	حکومت عمر بن عبدالعزیز؛ سایه‌ی آرامشی زودگذر.....
۱۰۲	دیدگاه امام باقر <small>علیه السلام</small> درباره‌ی شخصیت و عملکرد عمر بن عبدالعزیز.....
۱۰۲	بینش سیاسی و رهنمودهای امام.....
۱۰۴	نهادینه‌سازی تقیه.....
۱۰۵	الف) حفظ امنیت نیروهای خودی.....
۱۰۶	ب) حفظ بنیه‌ی اقتصادی نیروها.....

سیره.....	۱۳۴
۱. مسؤولیت پذیری در برابر مشکلات دیگران.....	۱۳۴
۲. حمایت اقتصادی.....	۱۳۴
۳. شرایط هم زیستی در جامعه با شیعیان راستین.....	۱۳۴
کرامات.....	۱۳۷
۱. تصرف در ادراک.....	۱۳۸
۲. نبود مانع در برابر خواست امام.....	۱۳۹
۳. آگاهی از غیب.....	۱۴۰
۴. فرمان برداری درخت از امام.....	۱۴۱
۵. پیش گویی های امام.....	۱۴۱
پرسش.....	۱۴۴
کتاب نامه.....	۱۴۸

۱۱. خیرالدین زرکلی (معاصر).....	۱۲۷
---------------------------------	-----

### فصل هشتم: گلبرگی از آفتاب

سخنان.....	۱۳۰
۱. فرجام نیک و بد.....	۱۳۰
۲. بهترین پیکار.....	۱۳۰
۳. ارزش پند نیکو.....	۱۳۰
۴. همراهی دانش و بردباری.....	۱۳۱
۵. نهایت کمال.....	۱۳۱
۶. ویژگی های پسندیده.....	۱۳۱
۷. پافشاری در نیایش.....	۱۳۱
۸. برتری دانشمند بر پرستشگر.....	۱۳۱
۹. نشانه دانشمند.....	۱۳۱
۱۰. نهی از خمودگی.....	۱۳۲
۱۱. رشک در رستاخیز.....	۱۳۲
۱۲. نتیجه ی ارتباط خویشاوندی.....	۱۳۲
۱۳. گفتار نیک با دیگران.....	۱۳۲
۱۴. تحفه ی خداوندی.....	۱۳۲
۱۵. زشتی دشنام گویی.....	۱۳۲
۱۶. نشانه ی شیعه.....	۱۳۳
۱۷. خداشناسی در ترک گناه.....	۱۳۳
۱۸. ارزش امانت داری.....	۱۳۳
۱۹. غیبت و تهمت.....	۱۳۳
۲۰. نشانه های فروتنی.....	۱۳۳

### دبیاچه

با بررسی تاریخ اسلام می‌توان دریافت که بزرگ‌ترین چالشی که جامعه‌ی اسلامی را با مشکلات گوناگون روبه‌رو کرده است، کشمکش‌های خلفا بر سر قدرت بود. هر از گاهی با انتقال قدرت از شخصی به شخصی دیگر و یا از سلسله‌ای به سلسله‌ی دیگر، مشکلات ساختاری برای جامعه‌ی اسلام روی می‌داد و آن را دستخوش دگرگونی‌هایی در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ می‌کرد. دوران زندگانی امام باقر علیه السلام نیز به دور از این دگرگونی‌ها نبود. این دوران همزمان بود با قدرت‌یابی مروانیان که حاکمیت را از چنگ امویان گرفتند. ویژگی‌های خاص مروانیان و تفاوت‌های نسبی آنان با بنی‌امیه در حاکمیت، تأثیرهای گوناگونی بر این دوره از تاریخ اسلام گذاشت.

در این میان، حکومت عمر بن عبدالعزیز، گونه‌ای دیگر می‌نماید. تفاوت‌های عمده‌ی خلافت او با دیگر مروانیان، اندکی آرامش و ثبات را به جامعه‌ای که از افزونی نارضایتی‌های عمومی به حد انفجار رسیده

بود، حاکم ساخت. خدمات فرهنگی او در راستای برداشتن سبّ امیرالمؤمنین علیه السلام و پایان دادن به منع نوشتن احادیث نبوی صلی الله علیه و آله، تأثیر شگرفی در فضای فرهنگی جامعه داشت. این امر به امام باقر علیه السلام این فرصت را داد که پی آمدهای ناهنجار ناشی از تدوین نشدن سنت نبوی صلی الله علیه و آله را از میان ببرد و گام بزرگی در تداوم حیات فکری شیعه بردارد. در چنین شرایطی امام به پرورش شاگردان و تربیت نیروهای کارآمد و ارزشی در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی پرداخت و توانست چارچوب عقیدتی شیعه را بیش‌تر تبیین کند؛ به گونه‌ای که امروز بیش‌ترین روایت‌های نقل شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام در متن‌های دینی، از امام باقر علیه السلام و فرزندشان امام صادق علیه السلام است. از این لحاظ، می‌توان دوران زندگانی و امامت امام باقر علیه السلام را نقطه عطفی در حیات فکری و اندیشه‌ی شیعه قلمداد کرد.

مجموعه‌ی حاضر، پژوهشی درباره زندگانی پر خیر و برکت و چگونگی اوضاع حاکم بر دوران زندگی امام باقر علیه السلام است. نخست با نگاهی به زندگانی امام و ویژگی‌های برجسته اخلاقی ایشان، در ترسیم چهره‌ی روشنی از امام باقر علیه السلام می‌کوشد. سپس جایگاه علمی و تلاش‌های فرهنگی ایشان در زمینه تربیت دانشوران، بنیان‌گذاری نهضت پویای علمی در رویارویی با اندیشه‌های ناسالم و شبهات دینی بررسی شده است و پس از آن، با نگاهی به عملکرد حکمرانان هم‌عصر امام و موضع‌گیری‌های امام در برابر آنان، شرایط سیاسی حاکم و مبارزات سیاسی امام و ابزار مبارزه‌ی ایشان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در پایان زمینه‌ها و عوامل شهادت امام، بررسی شده است و با ارائه‌ی گلچینی از سخنان گهربار و درس‌های آموزنده امام و

کرامت‌های ایشان، دیدگاه برخی اندیشمندان اهل سنت در مورد پیشوای پنجم شیعیان آورده شده است. امید که در خور توجه یار سفر کرده کنعان آرزو قرار گیرد.

بمَنّه و کرمه

ابوالفضل هادی منش - قم المقدسه

رمضان المبارک ۱۴۳۴

hadimanes1@gmail.com

## **فصل اول**

### **روزنه‌ای به سوی آفتاب**

## ولادت

امام باقر علیه السلام، در سال ۵۷ هجری در شهر مدینه، دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> درباره‌ی روز ولادت ایشان بین تاریخ‌نویسان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را اول ماه رجب دانسته‌اند،<sup>۲</sup> ولی مشهور تاریخ‌نویسان، تاریخ ولادت ایشان را سوم ماه صفر می‌دانند.<sup>۳</sup>

## نام‌گذاری

امام سجاد علیه السلام، این فرزند خجسته فال را به پاسداشت نام و نیای بزرگوار خویش، حضرت ختمی مرتبت، محمد نامید. این نام را سال‌ها پیش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر او نهاده بود.

محمد بن مسلم می‌گوید:

«در کنار جابر بن عبدالله انصاری [از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله] نشسته بودیم که امام سجاد علیه السلام همراه فرزند خردسال خود وارد مجلس شد. امام سجاد علیه السلام به فرزندش فرمود: عمویت را بیوس. کودک به سوی جابر آمد و پیشانی او را بوسید. جابر که در آن روزگار بینایی خود را از دست داده و پیر و فرتوت شده بود، پرسید: این کودک کیست؟ امام فرمود: او فرزندم محمد است. جابر او را در آغوش کشید و گفت: ای محمد، رسول خدا به تو سلام رسانید. حاضران [با تعجب] گفتند: از کجا این

۱. ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۹ ه.ق، ص ۲۵۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم، ج ۴۶، ص ۲۱۲؛ ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامة، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۶۹ ه.ق، ص ۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲؛ دلائل الامامة، ص ۹۴.

۳. ابی الحسن بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن حسین زوارثی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۲، ص ۳۱۸؛ علی بن محمد بن احمد المالکی، الفصول المهمة فی معرفة الائمة، قم، مؤسسه دارالحديث الثقافیة، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۸۷۹.

## شناسه‌ی آفتاب

نام: محمد بن علی علیه السلام

کنیه: ابا جعفر علیه السلام

لقب‌ها: باقر العلم، شاکر، هادی، امین، شبیه، صابر و شاهد

پدر و مادر: امام سجاد علیه السلام و فاطمه بنت الحسن علیه السلام

زمان و مکان ولادت: سوم صفر المظفر سال ۵۷ هجری در مدینه منوره

تاریخ و سن امامت: سال ۹۵ هجری، در سن ۳۸ سالگی

مدت امامت: ۱۹ سال

حکمرانان اموی دوران امامت: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن

عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن

عبدالملک

تاریخ و سن شهادت: هفتم ذی حجة الحرام سال ۱۱۴ هجری، در سن ۵۸

سالگی

محل خاک سپاری: مدینه، قبرستان بقیع



سخن را می‌گویی؟ جابر گفت: در خانه رسول خدا ﷺ بودم که او مشغول سرگرم کردن حسین ﷺ بود. در این هنگام، به من رو کرد و فرمود: ای جابر! فرزندم حسین ﷺ دارای فرزندی خواهد شد که نامش علی ﷺ است... و علی ﷺ نیز صاحب فرزندی می‌شود که نامش محمد ﷺ است. اگر او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان و بدان که پس از دیدار او به پایان زندگی نزدیک شده‌ای».

محمد بن مسلم می‌گوید:

«سخن جابر تحقق یافت و پس از مدتی کوتاه از دنیا رفت.<sup>۱</sup> او تا پیش از این دیدار همواره می‌گفت: ای باقر! کجایی! تا روزی که آن حضرت را ملاقات نمود...»<sup>۲</sup>.

سند و مضمون این روایت، به اندازه‌ای ممتاز و قوی است که بین شیعه و سنی مشترک است و نویسندگان بزرگی از اهل سنت مانند ابن جوزی، ابن صباغ مالکی و ابن قتیبه دینوری آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند.<sup>۳</sup>

## کنیه و لقب‌ها

تنها کنیه‌ای که برای امام باقر ﷺ یاد کرده‌اند، ابو جعفر است و لقب‌های مشهور ایشان عبارتند از:

۱. باقر العلم

۲. شاکر

۳. هادی<sup>۴</sup>

لقب‌های دیگری از جمله امین، شبیه<sup>۱</sup>، صابر و شاهد<sup>۲</sup> نیز برای ایشان بر شمرده‌اند.

در بین این لقب‌ها، باقر از همگی مشهورتر است و علت تعیین آن را ویژگی‌های حضرت بر شمرده‌اند که برجسته‌ترین آن به شرح زیر است:

۱. او شکافنده‌ی همه مشکلات علمی و گشاینده پیچیدگی‌های آن بود.<sup>۳</sup>

۲. حضرت، معارف و دانش گسترده‌ای در اختیار داشت.<sup>۴</sup>

۳. در اثر سجده‌های بسیار در پیشانی‌اش حالت شکافتگی و فراخی به وجود آمده بود.<sup>۵</sup>

## مادر امام

ویژگی ممتاز و برجسته امام باقر ﷺ در بین دیگر امامان آن است که او، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، به شجره پاک رسالت و امامت منتسب است. پدر او، فرزند برومند امام حسین ﷺ و مادرش ام عبدالله، فاطمه ﷺ، دختر بزرگوار امام حسن ﷺ است.<sup>۶</sup> که در پاک سیرتی و نیک سرشتی سرآمد زنان به شمار می‌رفت.

۱. به دلیل شباهت زیادی که به رسول خدا ﷺ داشتند. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، انتشارات ذوی القربی ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۱، پانوش.

۳. همان، ص ۸۸۱: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰.

۴. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۸: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۱.

۵. تذکرة الخواص، ص ۳۳۶.

۶. اعلام الوری، ص ۲۵۹: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲، ولی برخی وی را دختر حسن بن حسن ﷺ (حسن مثنی) خوانده‌اند. تذکرة الخواص، ص ۳۳۶.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۷: کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۹۷۷ م، چاپ سوم، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا، ص ۳۳۷.

۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۶: الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۰: کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۸.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی ایشان فرمود:

او بانویی درستکار بود که در فرزندان امام حسن علیه السلام زنی به درجه کمالش نمی‌رسید.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام نیز در توصیف مادر بزرگوار خویش می‌فرماید:

روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود. ناگهان دیوار فرو ریخت، ولی او دست بر سینه آن نهاد و گفت به حق مصطفی صلی الله علیه و آله سوگند، اجازه‌ی فرو ریختن نداری. دیوار بر جای خود فروماند، مادرم به کناری رفت و سپس دیوار فرو ریخت.<sup>۲</sup>

### خاستگاه تربیتی

ناگفته پیداست که تربیت و رشد در چنین فضایی که از هر دو طرف به سلاله‌ی پاک امامت می‌رسد، در چه سطحی از کمال و برتری خواهد بود. امام در اوان کودکی خویش، افزون بر تربیت در دامان گهربار پدر، از رشد و تعالی در محضر جد بزرگوارش، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز بهره‌مند شد و تا سه یا پنج سالگی در محضر پرورش و تفقد ایشان بود.<sup>۳</sup>

او از برترین نوع تربیت اسلامی در حضور پدر، مادر، جد، عموها و دیگر افراد خاندان امامت برخوردار شد و در فضایی آکنده از همه‌گونه زیبایی‌های معنوی این خاندان رشد کرد.

۱. شیخ عباس قمی، *منتهی الآمال*، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۳ ش، چاپ هشتم، ج ۲، ص ۱۷۳؛ ابوالحسن علی مسعودی، *اثبات الوصیة*، محمد جواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۴۳ ش، ص ۳۳۱.

۲. *بحار الانوار*، ج ۴۶، ص ۲۱۷؛ *اثبات الوصیة*، ص ۳۳۱.

۳. *المجمع العالمی لأهل البیت*، *اعلام الهدایة*، قم، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البیت، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول، ج ۷، ص ۴۵.

### کودکی آزاد

سبزترین عروج، در سرخ‌ترین روز آفرینش پیش روست. کاروان حسینی علیه السلام به سوی منزلگاه طُفّ در حال حرکت است. عقربه‌های زمان، دهم محرم سال ۶۱ هجری را نشان می‌دهند و قلم تقدیر، سرخ‌ترین رنگ را در پرده‌ی کربلا نقش می‌کند و نگارینه‌ای جاوید از بزرگ‌ترین حماسه‌ی انسان بر جای می‌گذارد. شاید سهمگین‌ترین رویداد زندگانی امام باقر علیه السلام پیش از امامت، روزی بود که سه سال پیش‌تر نداشت و پژواک غمگین، ولی استوار «اللهم تقبل منّا هذا القربان» پرده‌ی گوش تاریخ را لرزاند. فرساینده‌ترین و دشوارترین ساعت‌ها بر امام سجاد علیه السلام، حضرت زینب علیه السلام و زنان و کودکان همراه می‌گذرد. اشک مجال‌شان نمی‌دهد، ولی صبر و استواری‌شان خبر از پیروزی‌ای بزرگ دارد. در این میان، امام باقر علیه السلام نیز میان کودکان دیگر، چشم برستم روزگار می‌گشاید و غم ایام را بر خود هموار می‌سازد. او شاهد بزرگ‌ترین روز تاریخ است. او نیز از شب عاشورا چشم بر هم ننهاد و به لبیک عاشقان گوش فراداد و پرواز تک تک آنان را دید و در نخستین سال‌های زندگی خود، والاترین درس هستی را درک کرد.

امام باقر علیه السلام به همراه زنان و کودکان دریند، کربلا و خاطره‌اش را وامی‌گذارد و راه شهر بی‌وفایی‌ها، کوفه، را در پیش می‌گیرد.

آن‌گاه که کلام آتشین پدر بزرگوارش و زینب علیه السلام نفس را در سینه‌ها زندانی کرد و چشم‌ها را به بهت گرایاند، امام باقر علیه السلام به سخنان ایشان گوش فراداد<sup>۱</sup> و درسی دیگر در استقامت و پای‌مردی در دفاع از حقانیت آموخت تا آن روز که کاروان به شهر شام رسید و به کاخ یزید خوانده شد.

۱. *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۱۱۷؛ *بحار الانوار*، ج ۴۵، ص ۱۱۲.

یزید، رو به امام سجاد علیه السلام کرد و گفت: «ای علی! اوضاع را چگونه می بینی؟» امام سجاد علیه السلام فرمود: «آنچه را که پروردگار بزرگ و توانا پیش از آن که آسمانها و زمین را بیافریند، مقدر کرده بود».

یزید از این پاسخ برآشفته و واژه زشتی بر زبان راند. سپس با اطرافیان خود مشورت کرد که با امام چه کند و سپس به کشتن امام سجاد علیه السلام رأی داد.

فرزند خردسال او امام باقر علیه السلام که تیزبینانه رخدادها را دنبال می کرد، از جایش برخاست و پس از سپاس و ستایش خداوندی، لب به سخن گشود و با جمله ای کوتاه، توفانی از اعتراض به پا کرد. او فرمود:

مشاوران تو بر خلاف مشاوران فرعون رأی دادند؛ زیرا آنها در پاسخ فرعون در مورد موسی علیه السلام و برادرش هارون گفتند: «أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ»؛ به او و برادرش مهلت بده و فرستادگانی را به شهرها رهسپار نما؛ ولی مشاوران تو دستور به قتل ما دادند که آن هم بدون دلیل نیست.<sup>۱</sup>

یزید که از سخنان این کودک بسیار شگفت زده شده بود، دلیل آن را جویا شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

آنها از زنان نجیب و فهمیده زاده شده بودند، ولی مشاوران تو زادگان زنان ناپاک هستند و پیامبران و فرزندانشان را جز ناپاکان نمی کشند. یزید از پاسخ اندیش مندانه کودکی از خاندان وحی سرافکنده شد<sup>۲</sup> و سخن افشاگرانه این فرزند خردسال موجب شد تیغ ستم از سر پدر بزرگوار او برداشته شود.

۱. سوره ای اعراف، آیه ۱۱۱.

۲. شیخ عباس قمی، *نفس المهموم*، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۸ ه.ق، ص ۲۷۶.

## همسر و فرزندان امام

در کتابهای تاریخی، دو همسر و دو کنیز برای حضرت ذکر کرده اند:

۱. ام فروه: او دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود. پدرش از دوستداران امامان معصوم علیهم السلام و دودمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود. آن چنان که امام رضا علیه السلام در مورد او فرموده است: «او به ولایت و امامت معتقد بود».<sup>۱</sup>

۲. ام حکیم، دختر أسید بن مغیره ثقفی

ولی شمار فرزندان امام را هفت تن بر شمرده اند؛ (پنج پسر و دو دختر) که عبارتند از:

۱. جعفر بن محمد صادق علیه السلام؛

۲. عبدالله بن محمد: او برادر تنی امام صادق علیه السلام و مادرشان ام فروه بود<sup>۲</sup> که انسانی بسیار ارجمند و پارسا بود و به فضل و صلاح شهرت داشت.<sup>۳</sup> روایت است که در دست عده ای از بنی امیه گرفتار شد و او را مسموم کردند و به شهادت رساندند؛

۳. ابراهیم بن محمد؛

۴. عبیدالله بن محمد؛

مادر این دو نیز ام حکیم است.

۵. علی بن محمد؛

۶. زینب بنت محمد؛

۷. ام سلمه.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۶.

۲. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۹۰۵.

۳. محمد جوهری، *المفید من معجم رجال الحدیث*، قم، مکتبه المحلاتی، ۱۴۱۷ ق، چاپ اول، ص ۳۴۷.

این سه فرزند نیز مادرشان کنیز بوده است.<sup>۱</sup>

### امامت حضرت

با وفات امام زین العابدین علیه السلام، حضرت باقر علیه السلام به امامت رسید که تاریخ آن را سال ۹۵ هجری یادآور شده‌اند.<sup>۲</sup> امام باقر علیه السلام رهبری شیعه را در حالی به عهده گرفت که ۳۷ سال از عمر شریف‌شان گذشته<sup>۳</sup> و جامعه اسلامی، هم‌چنان تحت سیطره‌ی امویان بود.

### نص بر امامت

نصوصی که بر امامت حضرت باقر علیه السلام در دست است به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. دسته‌ی اول روایات بسیاری در مورد امامت اهل بیت اطهار علیهم السلام است که بیش‌تر این روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است و در آن از تمامی امامان شیعه نام برده شده و امامت آنان را به اثبات رسانیده است. برای نمونه ابن عباس روایت می‌کند:

روزی مردی یهودی درباره امامان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان پرسید: جانشینان شما کیستند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ داد: جانشین من علی علیه السلام فرزند ابوطالب و پس از او حسن علیه السلام و بعد حسین علیه السلام و در پی آن نه امام از فرزندان حسین علیه السلام خواهند بود. آن‌گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نام یکایک آنان را بر زبان جاری کرد.<sup>۴</sup>

همچنین در حدیث معروفی به نام حدیث لوح که آن را جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد، نام تمامی امامان پس از ایشان آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را نزد فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به امانت گذاشت که هر امام آن را به دیگری بسپارد و بسیاری از بزرگان آن را روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۲. دسته‌ی دوم: احادیث بسیاری درباره‌ی امام باقر علیه السلام است و برترین آن‌ها حدیث جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و همان‌گونه که گفته شد، اهل سنت نیز این حدیث را روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup>

در روایت دیگری زهری می‌گوید:

نزد علی بن الحسین علیه السلام رفتم. او در بستر بیماری بود و با همان بیماری از دنیا رفت... از او پرسیدم: امام پس از شما کیست؟ فرمود: این فرزندم - و اشاره به فرزندش محمد علیه السلام کرد - او جانشین و میراث دار من است... سپس او را برای کاری به بیرون فرستاد. پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، آیا فرزند بزرگ خود را جانشین خویش نمی‌سازید؟ فرمود: امامت به بزرگی و کوچکی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را این‌گونه سفارش کرده و ما آن را در لوح و صحیفه یافته‌ایم. گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چند نفر را پس از خویش به جانشینی خود در امت برگزیده است؟ فرمود: دوازده نفر که نام همگی آن‌ها و نام پدران و مادران‌شان در صحیفه و لوح آمده است که هفت نفر آن‌ها از فرزندان [پسرم] محمد علیه السلام هستند و آخرین‌شان مهدی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۰؛ اعلام‌الوری، ص ۲۶۵.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۱. ۳. اعلام‌الوری، ص ۲۵۹.

۴. سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ینابیع‌المودة، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ه.ق، چاپ هفتم، ص ۴۴۴.

۱. نک: الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۲۹؛ اعلام‌الوری، ص ۲۶۱.

۲. نک، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۲.

۳. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۲.

۳. دسته‌ی سوم روایت‌هایی است که خود امام باقر علیه السلام در مورد امامت خویش بیان کرده است. از آن جمله؛ امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که لحظه‌ی مرگ [پدرم] علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید، صندوقی به من داد و فرمود: ای محمد! این صندوق را ببر. چهار نفر آن صندوقچه را بردند. وقتی از دنیا رفت برادرانش مدعی شدند که از آن چه در آن صندوق بوده بهره‌ی ما را بده. امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا در آن بهره‌ای برای شما نبود؛ زیرا اگر بود آن را به من نمی‌داد. در آن سلاح و نوشته‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری فرمود:

پدرم به من فرمود: وقتی من از دنیا رفتم کسی غیر از تو غسل مرا بر عهده نگیرد؛ زیرا امام را غیر از امام نمی‌تواند غسل دهد و بدان که برادرت عبدالله مردم را به سوی خود [به انگیزه رهبری] فرا می‌خواند، ولی تو او را به حال خود واگذار که عمر او کوتاه است. وقتی پدرم از دنیا رفت، همان گونه که فرموده بود بدنش را غسل دادم و عبدالله نیز ادعای امامت کرد، ولی دیری نپایید که از دنیا رفت...<sup>۲</sup>

## فصل دوم

### ویژگی‌های برجسته

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، محمد باقر کمره‌ای، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ه.ش، چاپ دوم، ج ۲، ص ۴۵۳. آن‌گونه که از روایات اسلامی برمی‌آید. سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه امامت بوده است در روایتی از خود امام باقر علیه السلام آمده است: همانا مثل سلاح در میان ما چون تابوت در بنی اسرائیل است. هر جا تابوت باشد سلطنت حقه است و در میان ما هم هر جا سلاح باشد علم امامت هم هست. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. کشف‌الغمة، ص ۲، ج ۳۴۷.

## اخلاق و ویژگی‌های فردی

### الف) پرستش و پارسایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

پدرم، امام محمد باقر علیه السلام همواره مشغول ذکر خدا بود. هنگام خوردن غذا ذکر خدا می‌گفت. وقتی با مردم صحبت می‌کرد از یاد خدا باز نمی‌ماند و کلمه‌ی «لا اله الا الله» همواره بر زبانش جاری بود. [سحرگاهان] ما را به عبادت و شب زنده داری تا برآمدن آفتاب فرا می‌خواند. به آن دسته از اعضای خانواده که قرائت قرآن می‌دانستند خواندن قرآن را دستور می‌داد و بقیه را به گفتن ذکر خدا سفارش می‌نمود.<sup>۱</sup>

افلح خدمتکار امام می‌گوید:

با محمد بن علی علیه السلام برای انجام مناسک حج بار سفر بستیم. وقتی رسیدیم و امام داخل مسجدالحرام شد و نگاهش به کعبه افتاد، شروع به اشک ریختن کرد. او با صدای بلند می‌گریست. تا جایی که شگفتی من برانگیخته شد [که چرا امام معصوم این گونه می‌گرید] گفتم: پدر و مادرم به فدایت باد! مردم دارند شما را نگاه می‌کنند. اگر ممکن است کمی آهسته‌تر گریه کنید. امام فرمود: وای بر تو! چرا صدایم را به گریه برنیزایم تا شاید [مورد بخشایش و مهرورزی پروردگار قرار گیرم] و در من نظر لطف کند و فردای رستاخیز به مهربانی و لطفش درآویزم. سپس مشغول طواف خانه خدا شد و نزد مقام به نماز ایستاد [هنگامی که نمازش پایان یافت] به سجده رفت و آن هنگام

### ویژگی‌های ظاهری

امام باقر علیه‌السلام چهره‌ای گندم‌گون<sup>۱</sup> و قامتی میانه و معتدل داشت<sup>۲</sup> و افزوده‌اند که امام چهارشانه و دارای پوستی لطیف و موهای مجعد با رنگی مایل به قهوه‌ای بود. خالی نیز بر گونه امام بود و نیز صدایی زیبا و سری برافراشته داشت.<sup>۳</sup>

در توصیف ایشان آمده است که شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود<sup>۴</sup> و دل‌نشینی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایشان دیده می‌شد.<sup>۵</sup>

بر انگشتی امام واژه‌ی «العزة لله» نقش بسته بود.<sup>۶</sup>

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، مؤسسة احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ هـ، چاپ اول، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۲؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۲.

۳. سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا، ج ۱، ص ۶۵۱.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۷.

۵. علی محمد علی دخیل، ائمتنا، بیروت، دارمکتبه الامام الرضا و دارالمرتضی، ۱۴۰۲ هـ، چاپ ششم، ج ۱، ص ۳۳۷.

۶. دلائل الامامة، ص ۹۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱.

۱. ائمتنا، ج ۱، ص ۳۴۱؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱ (با اندکی تفاوت).

که سر از خاکساری درگاه خدا برداشت سجده گاهش از اشک، تر شده بود.<sup>۱</sup>

او در هر شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز می گزارد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در بیان خداترسی پدر بزرگوارش می فرماید:

پدرم نیمه های شب خدا را با سوز و گداز می خواند؛ بارالها، خواندی،

کوتاهی کردم، رماندی سرباز زدم، ببین، اینک منم، بنده تو،

سرافکنده به درگاهت و هیچ عذر خواسته ای ندارم.<sup>۳</sup>

### ب) دوری از دنیا

آن گونه که پیش تر نیز گفته شد، زندگی فردی امام علیه السلام به دور از زیور و زینت دنیایی بود. اتاق امام بسیار ساده و کوچک بود،<sup>۴</sup> ولی هرگز به زنان خویش سخت نمی گرفت و هرگز خاطر خویش را از اندیشه در امور دنیایی نمی آشفته.

جابر بن یزید جعفی می گوید:

روزی محمد بن علی علیه السلام به من فرمود: ای جابر! اندوهگینم و دلم

گرفته است. گفتم: اندوه تان به خاطر چیست؟ فرمود: ای جابر! کسی

که لذت شراب ناب الهی در دلش باشد، از غیر خدا روی برتافته و

دلش گرفتار او می شود. ای جابر! مگر این تحفه ی دنیا چیست. مگر

دنیا جز مرکبی که بر آن سوار می شوی یا لباسی که می پوشی و یا

همسری که اختیار می کنی چیز دیگری هم هست؟

ای جابر، خداجویان بر این دنیا تکیه نمی کنند و به آن دل نمی بندند و

خیال خود را از آخرت [و سختی آن] خوش نمی دارند. دل فریبی های

دنیا، دل آنان را هرگز از یاد خدا باز نمی دارد، گوش آنان را بر ذکر خدا

نمی بندد، و زرق و برق دنیا چشمشان را از دیدن نور الهی کور نمی کند.

از این روست که نیکان پاداش دریافت می کنند و رستگار می شوند...

پس بکوش آنچه خدا نزد تو از دین و حکمتش به امانت گذاشته پاس

داری.<sup>۱</sup>

او می فرمود:

دنیا را مانند کاروان سرایی فروگذار که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: مَثَل من و

دنیا مثل سواری است که ساعتی زیر سایه ی درختی فرود می آید و بر

می خیزد و از آنجا می رود.<sup>۲</sup>

### ج) دانش و بینش

بی گمان شخصیت علمی امام باقر علیه السلام در دوران حیات او، بسیار برجسته

و محضر او همواره مملو از دانشمندان و دانشورانی بوده است که در

جست و جوی سرچشمه ی دانش بوده اند. آن چنان که از کودکی شکافنده

دانش ها شناخته شده و سرآمد دانشمندان و عالمان روزگار بود. تا آن جا

که در ستایش دانش او شاعران قصیده ها سروده و نویسندگان قلم بر

خروارها کاغذ رانندند.<sup>۳</sup>

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۲۴؛ شیخ کمال الدین محمد بن طلحة الشافعی، مطالب السؤل فی مناقب

آل الرسول، بیروت، مؤسسه ام القوی للتحقیق و النشر، ۱۴۲۰ هـ. ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. همان، تذکرة الخواص، ص ۳۳۸؛ سید نورالله حسینی مرعشی تستری؛ احقاق الحق و

ازهاق الباطل، تهران، مطبعة الاسلامیة، ۱۳۹۵ ق، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۶؛ شیخ عباس قمی، الانوار الیهیة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ. ق،

چاپ اول، ص ۱۳۵.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲. اثمتنا، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. همان، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۲۴؛ الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۸۵.

۴. نک، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۲.

آوازه‌ی دانش امام علیه السلام بر تمامی سرزمین‌های اسلامی سایه افکنده بود و مردم، به ویژه دانشوران شیفته نام و آوازه‌ی او بودند و این شیفتگی در بین مردم عراق بیش‌تر به چشم می‌خورد و دوست و دشمن زبان به ستایش دانایی او گشوده بودند. آمده است: «هشام بن عبدالملک، خلیفه‌ی وقت او را در مسجدالحرام دید و در حالی که بر دست غلامش تکیه کرده بود پرسید: آیا او همان کسی است که مردم عراق شیفته و بهت‌زده‌ی [علم] اویند. پاسخ داد: آری. سپس به غلامش دستور داد تا نزد او برود و امام را برای پاسخ به پرسش‌های خلیفه فرا خواند. خلیفه پرسش‌هایش را مطرح کرد و امام به گونه‌ای پاسخ داد که هشام خاموش ماند و هیچ نتوانست بگوید».<sup>۱</sup>

آوازه‌ی شهرت او تا دوردست‌های سرزمین‌های اسلام رسیده بود. همچنان که راوی می‌گوید:

دیدم در حلقه‌ی درس او مردم خراسان حضور دارند و اشکالات علمی خود را مطرح می‌کنند.<sup>۲</sup>

محمد بن مُنکدر - از دانشمندان اهل سنت - می‌گوید:

باور نداشتم که علی بن الحسین علیه السلام فرزندی به یادگار گذارد که دانش و بینشش مانند خود او باشد؛ تا این‌که پسرش محمد بن علی علیه السلام را دیدم. آن سان که من می‌خواستم او را اندرز دهم، ولی او مرا اندرز داد.<sup>۳</sup>

عبدالله بن عطاء نیز در مورد گسترده‌ی دانش امام می‌گوید:

هرگز دانشمندان را بی‌مقدار جز در محضر محمد بن علی علیه السلام ندیدم

۱. همان، ص ۲۳۴، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۳۵۷.

۳. اعیان‌الشیعة، ج ۱، ص ۶۵۲؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۲.

و من خود حَکَم بن عَتِیْبَةَ را - با آن جایگاه بلندی که در دانش نزد مردم داشت - در برابر آن جناب به سان کودکی یافتم که پیش روی استاد زانو زده باشد.<sup>۱</sup>

در آینده، شخصیت علمی امام را بیش‌تر بررسی خواهیم کرد.

#### د) بخشندگی و سخاوت

هر چند امام عائله‌مند بود و زندگی ساده‌ای داشت، ولی بین مردم به بخشندگی و کرامت مشهور بود.<sup>۲</sup> همواره به نیازمند و بی‌نیاز بخشش می‌کرد و این رفتار را مایه‌ی خرسندی خویش قرار داده بود. و در بخشش‌ها، همیشه شأن و مرتبه‌ی افراد را در نظر می‌گرفت و به اندازه‌ای کمک می‌کرد که نه موجب اسراف و زیاده‌روی و نه سبب تحقیر و پایین آمدن شأن او شود. بخشندگی او را این‌گونه می‌ستودند:

ابوجعفر علیه السلام در بخشش‌هایش به ما از پانصد درهم تا هزار درهم می‌بخشید. بخشندگی و احسان او نسبت به آشنایان و بیگانگان و هر که به او رو می‌آورد، به گونه‌ای بود که امیداران به کرمش و آرزومندان بخشش‌اش هرگز خسته و دل‌آزرده نمی‌شدند.<sup>۳</sup>

شدت علاقه‌مندی او به بخشش، و برتری‌ای که این ویژگی در درگاه خدا داشت، گاه او را بر آن می‌داشت که به سان نیاکان پاکش به نیازمندی‌های زندگی خود بی‌اعتنایی کند و تا جایی که توان داشت به نیازمندان می‌بخشید.<sup>۴</sup>

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۰؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲. انوارالبهیة، ص ۱۴۱؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۸.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۹؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۷.

۴. تذکرة الخواص، ص ۳۴۲.